

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: بهمن شفیق
۳۱ مارچ ۲۰۲۲

جنگ تیر بزرگ، مشاهدات یک افسر نیروی بحری امریکا از نبرد اوکراین

این یک جنگ تیر بزرگ از بهترین نوع آن است، چیزی که امریکایی ها قبلاً می‌دانستند اما در کوهها و دشتهای افغانستان و عراق آن را فراموش کردند. این توضیح می‌دهد که چگونه ۲۰۰ هزار روسی قادر بودند ۶۰۰ هزار اوکرائینی را شکست دهند.

اسکات ریتز، افسر سابق نیروی بحری امریکا و بازرس تسلیحاتی ملل متحد از عراق، از معدود نظامیان امریکایی است که در تحلیل وقایع اوکراین به خود وقایع توجه دارد و نه به بیانیه های نظامی ستاد فرماندهی ارتش اوکراین و پروپاگاندا کر کننده امپراتوری رسانه‌های غربی که هر لحظه روسیه را در حال تحمل شکستی سنگین توصیف می‌کنند و از ارتش آن تصویر ارتشی در هم گسیخته را ارائه می‌دهند که به طور مرتب زیر ضربات قهرمانان اوکرائینی قرار دارد، جنرالهایش را یکی پس از دیگری از دست می‌دهد، قادر به پیشروی نیست و گیر کرده است و حتی از تأمین مهمات و آذوقه برای سربازان خود نیز ناتوان است. تصویر وارونه ای از واقعیت که حتی توسط رسانه‌های درون جمهوری اسلامی نیز وسیعاً بازتاب داده می‌شود. این البته ناشی از نادانی نیست و از انگیزه‌های دیگری نشأت می‌گیرد که موضوع یادداشت فعلی نیست. یادداشت حاضر به انعکاس بحثی اختصاص خواهد داشت که دیروز، ۲۹ مارچ، توسط اسکات ریتز به شکل [رشتویی در توئیتر](#) طرح شد و وسیعاً مورد توجه قرار گرفت و باز نشر شد. نخست کل رشتو را با هم مرور کنیم:

۱- جنگ تیر بزرگ، توضیح پایه‌نی

برای همه آنهایی که بعد از خبرهای تازه در مورد «تغییر ستراتیژی» روسیه سرشان گیج رفته است و یا آن‌ها که اونفورم هایشان را برای شرکت در رژه پیروزی اوکراین در شهر کی‌یف گردگیری می‌کنند، بهتر است که با مبانی اولیه مفاهیم نظامی آشنا شوند.

۲- جنگ مانوری نقطه خوبی برای آغاز است. توجه کنید که روسیه «عملیات ویژه نظامی» خویش را با یک کسری قابل توجه نیروی انسانی – ۲۰۰ هزار مهاجم در برابر ۶۰۰ هزار مدافع (و شاید هم بیشتر) - شروع کرد. بنا بر این یک جنگ فرسایشی از آغاز گزینه ای نبود. پیروزی روسیه نیازمند مانور بود.

۳- جنگ مانوری بیشتر روانی است تا فیزیکی و تمرکز آن بیشتر بر سطح عملیاتی است و نه تاکتیکی. مانور تحرکی نسبی است: چگونه نیروهای خود را در نسبت با نیروهای حریف آرایش می‌دهید. مانور روسیه در نخستین فاز عملیاتی برای حمایت [از عملیات] صورت گرفت.

۴- روسها نیازمند آن بودند که میدان نبرد را به نفع خود شکل دهند. برای دستیابی به این، آنها باید بر این اشراف می‌داشتند که اوکراین چگونه نیروهای از نظر کمی برترش را آرایش داده است تا بتوانند با نیروهای رزمی کوچکتر خودشان به بهترین نحوی به این هدف برسند.

۵- از نظر ستراتیژیک برای تسهیل قابلیت مانور بین جبهه های جنوبی، مرکزی و شمالی، روسیه نیاز به آن داشت که یک گذرگاه زمینی بین کریمه و روسیه ایجاد کند. تصرف شهر ساحلی ماریوپل برای این منظور حیاتی بود. روسیه این وظیفه را به پایان رساند.

۶- در حالی که این عملیات پیچیده در حال انکشاف بود، روسیه نیاز به آن داشت که مانع انجام مانور از اوکراین برای به کارگیری نیروهای از نظر کمی برتر خود در جهت تخریب عملیات ماریوپل شود. این استفاده از چندین عملیات ستراتیژیک حمایتی را الزامی می‌کرد. فریب، بازدارندگی و تعمیق حمله.

۷- مفهوم یک [عملیات] فریب ساده است: یک نیروی نظامی به منظور فریب حریف و وادار کردن آن به اختصاص منابع در پاسخ به اقدامات احتمالی و یا واقعی، در حال تدارک برای حمله به یک نقطه معین مشاهده می‌شود و یا حتی حقیقتاً حمله ای را انجام می‌دهد.

۸- استفاده از فریب نقش مهمی در عملیات طوفان صحرا (حمله به عراق در جنگ اول پس از اشغال کویت) بازی کرد که نیروهای بحری-زمینی [امریکا] سواحل کویت را مورد تهدید قرار دادند و در مقابل لشکر سواره شماره ۱ حقیقتاً به وادی البطین حمله کرد تا گارد ریاست جمهوری [عراق] را میخکوب کند و...

۹- روسها در اوکراین وسیعاً از فریب استفاده کردند. با نیروهای بحری-زمینی در ادسال و منجمد کردن نیروهای اوکرائینی در آنجا و یک عملیات فریب بزرگ به سمت کی‌یف همراه با وادار نمودن اوکراین به تقویت نیروهای خود در آنجا. اوکراین هیچگاه قادر نشد نیروهایش در شرق را تقویت کند.

۱۰- عملیات بازدارندگی Fixing operations نیز مهم بودند. اوکراین بین ۶۰ تا ۱۰۰ هزار نیرو در شرق، در مقابل دنیاس، متمرکز کرده بود. روسیه یک حمله وسیع تثبیتی انجام داد که برای آن طراحی شده بود که این نیروها را کاملاً درگیر کند تا قابلیت مانور آنها در رابطه با سایر عملیاتی روسیه از آنان سلب کند.

۱۱- در جریان طوفان صحرا دو لشکر نیروی بحری دستور انجام حمله بازدارندگی مشابهی علیه نیروهای عراقی مستقر در امتداد مرز کویت-عربستان را دریافت کردند به منظور زمینگیر کردن تعداد زیادی نیرو و تجهیزات که نتوانستند در مقابل حمله اصلی امریکا در غرب به کار گرفته شوند.

۱۲- حمله بازدارندگی روسها تمرکز اصلی نیروهای اوکراین در شرق را میخکوب کرد و آنان را از ماریوپل دور نمود که اشغال شد. عملیات حمایتی از کریمه علیه خرسون گذرگاه زمینی روسیه را توسعه داد. این مرحله اکنون تکمیل شده است.

۱۳- روسیه همچنین در یک کمپین حمله ستراتیژیک عمقی نیز وارد شد که برای اختلال و نابودی لجیستیک، فرماندهی و هدایت و همچنین قدرت هوایی و حمایت آتش از دور اوکراین طرحریزی شده بود. سوخت و مهمات در اوکراین در حال به پایان رسیدن است، قابلیت هماهنگ کردن مانورها را ندارد و از نیروی هوایی قابل ذکری برخوردار نیست.

۱۴- روسیه در حال تجدید آرایش نیروهای درگیر در عملیات فریب خود در شمال کی‌یف و ارسال آنان به نقطه‌ای است که می‌تواند مرحله بعدی عملیات را مورد حمایت قرار دهد، یعنی آزادی دنباس و نابودی نیروی اصلی اوکراین در شرق.

۱۵- این یک جنگ کلاسیک مانوری است. روسیه حال اوکراین را در شمال و جنوب متوقف می‌کند و نیروهای اصلی آن، تقویت شده از طریق واحدهای شمال، تفنگداران بحری و نیروهای آزاد شده پس از تسخیر ماریوپل، به گسترش در شرق و نابودی ۶۰ هزار نیروی اوکرائینی مستقر در آنجا می‌پردازند.

۱۶- این یک جنگ تیر بزرگ از بهترین نوع آن است، چیزی که امریکائی‌ها قبلاً می‌دانستند اما در کوهها و دشتهای افغانستان و عراق آن را فراموش کردند. این توضیح می‌دهد که چگونه ۲۰۰ هزار روسی قادر بودند ۶۰۰ هزار اوکرائینی را شکست دهند. آموزش مقدماتی جنگ مانوری، به سبک روسیه، اینجا به پایان می‌رسد."

رشتوی فوق را ریتر برای خواننده‌ای نوشته است که در اثر تحولات سرگیجه گرفته و یا فریب اطلاعات دروغین را خورده است. با این که او توضیحات مزبور را پایه‌ای می‌داند، با این حال از مفاهیمی استفاده می‌کند که در عرصه نظامی معانی متفاوتی دارند تا در عرصه سیاست. با عزیمت از ترمینولوژی مبارزه سیاسی نمی‌توان به سادگی مفاهیمی از قبیل سطوح سه گانه عملیاتی، تاکتیکی و استراتژیک، در عرصه نظامی را درک نمود. در این عرصه، هر کدام از مفاهیم فوق معانی مشخصی را به خود می‌گیرند که برای فهم آنان باید آشنائی بیشتری با خود عملیات نظامی در خلال جنگها داشت. علی‌رغم همه اینها، رشتوی فوق تصویر نسبتاً روشنی حتی به کسی به دست می‌دهد که به کلی از مفاهیم نظامی بی‌اطلاع است.

اسکات ریتر البته تنها ناظری نیست که تاکتیکهای به کار گرفته از سوی ارتش روسیه را در زمره نمونه‌های بسیار موفق تاریخ جنگهای معاصر به شمار می‌آورد. در کنار بررسی و مطالعه همه وجوه دیگر تحولات عمیقی که در جریان و نتیجه نبرد اوکراین در سطح جهانی در حال وقوعند، مطالعه درسهای نظامی واقعه نیز باید در دستور کار کمونیستها باشد. در میدان نبرد اوکراین یکی از بهترین ارتشهای جنگی جهان، اگر نه بهترین، در حال به نمایش گذاشتن جنگ مدرنی است که با تمام جنگهای دوران پسا جنگ سردی متفاوت است. این جنگاوری را باید به دقت شناخت. پرولتاریای پیروزمند آینده به این درسهها نیز به شدت نیازمند خواهد بود.

و نکته آخر این که بر من روشن نیست که چرا اسکات ریتر در توصیف نبرد اوکراین از جنگ بزرگ تیر و کمان Big Arrow War نام می‌برد. در جست و جوی یافتن این معنی به یک نمونه از جنگی با این اسم بر می‌خوریم که جنگ دوم تریاک در چین در سال ۱۸۵۷ است و به علت نقطه آغازین جنگ که از یک کشتی انگلیس به اسم Arrow بود، بر آن جنگ نیز عنوان Arrow War اطلاق می‌شود. خوشحال خواهم شد چنانچه کسی در روشن شدن این مفهوم بتواند یاری برساند.

۱۰ فروردین [حمل] ۳۰/۱۴۰۱ مارچ ۲۰۲۲

پی‌نوشت: عنوان مطلب در پی توضیح رفیقی در کامنت ذیل مطلب تغییر یافت. در خود متن نیز به غیر از جمله توضیحی آخر متن، همه جا "جنگ تیر بزرگ" جایگزین "جنگ بزرگ تیر و کمان" شده است. ضمن تشکر از این رفیق، عین توضیح ایشان چنین است:

«سلام، به نظرم در ترجمه تیر مطلب کمی اشتباه پیش آمده.

اصطلاح "big arrow" به تاکتیک‌های جنگی اشاره دارد که در آن‌ها هر گروه از نیروها آتشش را بر هدف متمایزی متمرکز می‌کند اما نتیجه نهایی این هدف‌گیری‌های متمایز انهدام یک هدف واحد و پیشروی در یک جهت خاص است. مثلاً در یک نبرد خیابانی نفر الف صرفاً با تکتیرانداز پشت‌بام درگیر می‌شود و نفر ب صرفاً آتشش را روی مسلسل‌چی دشمن متمرکز می‌کند تا نفر ج بتواند از کوچه پشتی رد شود و تانک دشمن را با آرپی‌جی بزند. این یک نمونه ساده از تاکتیک‌های "تیر بزرگ" است. البته اجرای این تاکتیک می‌تواند بسیار پیچیده‌تر هم شود. به نظرم درست‌تر است تیر مثن را اینطور ترجمه کرد: "جنگ تیر بزرگ"»